

واسونک‌های مهرگان؛ بررسی عناصر اقلیمی و زبانی

دکتر اسدالله نوروزی^۱

مریم قاسمی^۲

چکیده

واسونک‌ها یا ترانه‌های عامیانه عروسی‌ها، بخش مهمی از فرهنگ شفاهی منطقه مهرگان را تشکیل می‌دهند. با بررسی عناصر محتوایی این واسونک‌ها می‌توان به سرگذشت و روند زندگی مردم آن سامان پی برد و تحولات و وقایعی را که بر آن مردم گذشته است؛ به نسل‌های آتی نشان داد.

برای مثال، از رهگذر مطالعه این واسونک‌ها درمی‌یابیم که شهرستان لار مهم‌ترین مرکز اقتصادی و فرهنگی آن دیار بوده است و یا هند و سایر کشورهای خلیج فارس از جمله مناطقی بوده‌اند که مردم برای کار و امرار معاش به آنجا سفر می‌کرده‌اند.

بررسی این واسونک‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی و تحولات زبانی نیز حایز اهمیت است. در ترانه‌هایی که از قدمت بیشتری برخوردارند، عناصر کهنه‌ای از زبان یافت می‌شود که روند تحولات زبانی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات شفاهی، ترانه عامیانه، واسونک، ادبیات شفاهی

هرمزگان، ادبیات مهرگان

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه هرمزگان

asadollah_nowruzi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

qasemi.maryam60@gmail.com

مقدمه

شعر و کلام موزون، قدمتی به دیرینگی انسان و فرهنگ دارند. عموماً گرفتاری‌ها و نیازهای برنیامده و همچنین حوادث، جشن‌ها، مراسم و مناسبت‌ها، زمینه‌های آفرینش این نوع از ادبیات شفاهی را مهیا می‌سازند. عروسی‌ها و آداب و وقایع وابسته به آن عرصه ظهور و خلق نوع خاصی از شعر به نام «واسونک» یا ترانه‌های عامیانه می‌شوند. «این دسته از ترانه‌ها، ویژه مراسم عروسی هستند و در تمام لحظات فرخنده ازدواج، از خواستگاری تا عروسی به انحاء مختلف خوانده می‌شوند و اغلب به صورت گروهی و با کف زدن، پایکوبی و دست‌افشانی همراه‌اند» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۱۲۴). در منطقه مورد مطالعه، ترانه‌های عروسی «بیت» نامیده می‌شوند. لازم به ذکر است که کلمه واسونک را بیشتر شیرازی‌ها به کار می‌برند به همین خاطر این کلمه عمومیت یافته و به ترانه‌های عروسی مناطق مختلف هم گفته می‌شود.

در این مقاله، با بررسی و جمع‌آوری اقوال شفاهی این نوع هنری در منطقه‌ای از شهرستان پارسین در استان هرمزگان تلاش شده است تا بعضی از عناصر فرهنگی، جامعه‌شناختی و زبانی آن بررسی شود.

استان هرمزگان از استان‌های جنوبی کشور است که به دلیل وسعت و پراکندگی بسیار، از تنوع فرهنگی فراوانی برخوردار است، به طوری که بخش‌هایی از آن که به استان فارس نزدیک‌ترند، گرایش به آن استان دارند و بخش‌هایی که به بوشهر نزدیک است میانه این و آن هستند. بخش‌هایی هم که به کرمان و سیستان و بلوچستان نزدیک‌اند شباهت به آنها دارند. از این رو منطقه مهرگان که به بوشهر و فارس نزدیک است، تحت تأثیر این دو استان واقع شده است و فرهنگی ترکیبی دارد. استان هرمزگان بویژه منطقه مهرگان که شامل روستاهای بهده، هشنیز، گناردان، بُوچیر و حُمیران و چند روستای دیگر می‌شود، از نواحی کم‌باران کشور به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، بخش زیادی از ترانه‌های منطقه، انعکاس این عنصر اقلیمی هستند. همچنین عناصر

دیگری از جمله فقر هم در این واسونک‌ها منعکس شده‌اند. بی‌تردید فقر در عرصه‌های گوناگون زیستی، بازتاب قهر طبیعت است که در ترانه‌های مورد نظر، از زبان مردم این ناحیه (مهرگان پارسیان) ثبت شده است، ولی بررسی و مقایسه تطبیقی آنها با ترانه‌های دیگر مناطق، اشتراک و شباهت تنگاتنگ آنها را نشان می‌دهد. از این رو، چنین به نظر می‌رسد که این ترانه‌ها خاستگاه زبانی و فرهنگی مشترک و پراکنده‌ای دارند که در اثر رفت و آمد و مهاجرت، از شهر به روستا و از روستایی به روستای دیگر، به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه منتقل شده است. البته با تعمق در آنها، از جهاتی تفاوت‌هایی هم در این میان مشاهده می‌شود، این تفاوت‌ها عموماً به شکل محلی و اقلیمی هستند که بومی‌سازی هم در آنها صورت گرفته است. منظور از بومی‌سازی این است که ترانه‌ها عموماً برای مکان و موقعیت خاصی از سوی افراد صاحب ذوق سروده و یا با تغییر و اقتباس دوبیتی‌های سروده شده شاعران پیشین، به عرصه زبان محاوره وارد شده‌اند، از این رو، زمانی که از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر منتقل می‌شوند، اصولاً نام‌ها و عناصری از آنها، حذف و با توجه به ظرفیت و قابلیت پذیرش، عناصر و نام‌های منطقه مقصد به آنها وارد می‌شود. البته اگر اصیل و بومی باشند، عناصر بومی در ذات آنها باقی می‌ماند. با این حال باید گفت که به دلیل در دست نبودن متن ریشه‌دار و معتبری از این ترانه‌ها، یافتن خاستگاه اصلی آنها تقریباً ناممکن است. این سخن به معنای آن نیست که در روستاها اصولاً ترانه‌ای سروده نشده است، بدیهی است که ممکن است در روستا هم افراد صاحب ذوق و هنرمندی یافت شوند که خود سراینده دوبیتی باشند اما وجه غالب ترانه‌ها، تقلیدی و اقتباسی بودن آنهاست. هر چند که درصدی هم می‌توان احتمال عکس داد؛ یعنی انتقال دوبیتی‌ها از روستا به شهر و تحت تأثیر قرار دادن ترانه‌های آن سامان که البته این شق به دلیل غلبه فرهنگی مراکز بسیار نادر است. در زیر به برخی از مضامین اشاره می‌گردد:

۱. واسونک‌های مربوط به گفتگوی خانواده داماد و عروس

خانواده داماد:

مادر آروس، مادر آروس، می‌شنوی یا نه

mâdar ârus mâdar ârus mišnavi yâ na

مادر عروس می‌شنوی یا نه

ârusom bede tâ beravom a xâna

آروسم بده تا بروم ا خانه

عروس به من بده تا به خانه برگردم

پاسخ مادر عروس:

آروس حریری استون ریخ درازی بردسو^۱

âruse hariri estun rixe derâziye bardesu

عروس حریرمانند مثل شن‌های اطراف بردسو

آروس ا دمانیتیم خرجی کم ش وردسو

ârus a damânitom xarji kam ša vordesu

عروس به داماد نمی‌دم خرجی کم آورده بود

۲. واسونک‌های گلایه

jumat xaridom kerâni

جوتم خریدم کرانی

čerâ del geraneš ârusom

لباست را به قرانی خریدم

چرا دل گرانش آروسم

sâ?at gereftom kerâni

چرا ناراحتی عروس خانم

ساعت گرفتم کرانی

ساعتت به قرانی خریدم

čerâ del geraneš ârusom

چرا دل گرانش آروسم

چرا ناراحتی عروس خانم

۱. نام کوهی است.

یا این اشعار:

getari junom lab šekari junom گتری جونم لب شکری جونم
ای «قطری»^۱ جانم لب شکری جانم
جومی پول گترن مال پول مفت گترن
jumaye pule getaren mâle pule mofte getaren

لباسی است که با پول قطر تهیه شده است

ey getari junom lab šekari junom ای گتری جونم لب شکری جونم
ای قطری جانم لب شکری جانم

مردم منطقه، پول و درآمد حاصل از کارگری در شیخ‌نشین قطر را بی‌زحمت می‌دانستند و تصور می‌کردند راحت و بی‌زحمت به دست آمده است؛ در حالی که اکثر کارگرانی که برای کار و امرار معاش به قطر می‌رفتند، نازل‌ترین کارها را انجام می‌دادند. این دریافت و اظهار نظر به دلیل اوضاع اقتصادی بد و اسفبار منطقه بود که موجب شده بود به دلیل دشواری کسب درآمد، پول درآوردن از راه مشاغل نازل در قطر را آسان و مفت تلقی کنند. این مضمون جلوه دردناکی از فقر را در این سامان نشان می‌دهد.

۳. طلب باران

ترانه‌های زیر به بُعد اسطوره‌ای اشاره می‌کنند:

الله بزن تو بارون / جبار^۲ بزن تو بارون

(خداوندا باران بباران)

گاو سفید ماده سر بر زمین نهاده

(گاو سفید ماده سرش را بر زمین گذاشته)

گاو نر پس چاه / فتاده بر دم راه

۱. خطاب به کسانی که درآمدشان از کارگری در قطر بود.

۲. از اسماء الهی

(گاو نری که مأمور کشیدن آب از چاه است، از کم آبی سر راه افتاده است)

الله بزن تو بارون / جبار بزن تو بارون

(خداوندا باران بیاران)

گندم مَن سَه تا شد به نرخ کیمیا شد

(گندم به قیمت کیمیا شده است)

الله بزن تو بارون / جبار بزن تو بارون

(خداوندا باران بیاران)

دخترای بی شوهر نشستند دل به امید تو بستن

(دختران شوهر نکرده به امید تو دل بسته‌اند)

الله بزن تو بارون / جبار بزن تو بارون

(خداوندا باران بیاران)

مادر از بچه بیزار افتاده کنج دیوار

مادر از بچه‌اش بیزار شده و گوشه دیوار افتاده است

ترانه فوق عموماً توسط زنان یا کودکان به جهت طلب باران خوانده می‌شد. آنها به صورت دسته‌جمعی در کوچه‌ها راه می‌افتادند و این ترانه را می‌خواندند. در این ترانه، به دخترانی اشاره شده که در رؤیای ازدواجند و امید به باران و رونق کسب و کار بسته‌اند.

۴. بیان مشاغل و روش‌های امرار معاش

مطلب دیگری که از بررسی ترانه‌ها دستگیرمان می‌شود شغل و نحوه امرار معاش مردم این سامان است. عمده این عناصر مربوط به زندگی مبتنی بر کشاورزی و دامداری است که در صورت خشکسالی، مهاجرت به دیار دیگر را در پی دارد:

واسونک‌های مهرگان؛ بررسی عناصر اقلیمی و زمانی ❖ ۱۶۱

کپ فدای رود جونیم چاه کنم اندر زمین

kape fedâye rude junim čâh kanom andar zamin

دم در حیاط فرزند عزیزم چاهی می‌کنیم

ریخ چاه مو کنده آب چاهمون مرواریین

rix e čah mu kande âbe čâhemun morvâriyen

ریگ‌های چاه را در می‌آوریم آب چاهمون پر از مروارید است همان طور که اشاره شد، به دلیل محدود بودن بارش و کمبود آب‌های سطحی، آب کشاورزی در این مناطق از طریق چاه تأمین می‌شود. بر این اساس، چاه‌کندن از عناصر مهم در کشاورزی است.

ترانه زیر به دامداری اشاره دارد:

...وای عزیزم وای رفیکم وای وفادار

vây azizom vâi rafikom vâi vafâdar

وای عزیزم وای رفیقم وای وفادار

day vafâdâri nakardi xunat âbâd دی وفاداری نکردی خونت آباد

مادر وفاداری نکردی خونت آباد

رفتم از کوش گله میشم به دوشم

raftom az kowše gela mišom bedušom

رفتم از شرق گله میشم به دوشم

kelaku šâl anguli bord akl o hušom کلکو شال انگولی برد اکل هوشم

پسره شال انگوری برد عقل و هوشم

در این ترانه؛ واژه‌های گله، میش و دوشیدن از عناصر مهم دامداری به

شمار می‌روند.

۵. واسونک‌هایی با عناصر دینی و مذهبی

از عناصر دینی واسونک‌های منطقه، درود فرستادن بر پیامبر ﷺ در

جشن‌های عروسی است:

الا صلِّ علی یا محمد کَشْم صلوات بر دین محمد
alâ salle alâ yâ mohammad kašom salvât bar dine mohammad

محمد سوره یاسین بنا کرد
یکایک سوره‌ها از هم سوا کرد
آلا صلِّ علی یا محمد کَشْم صلوات بر دین محمد
یا این بیت که پایندی مردم را به شریعت نشان می‌دهد:
عروشم پا وردار پا از روی خاک وردار
خونه حلالت می‌برم

این «خونه حلال» نوعی عنصر دینی، به معنی ازدواجی است که طبق قوانین دینی و شرعی انجام شده است.

یا این ترانه:

šâhe dâmâd az dur ayâ شاه داماد از دور ایا
makes bogen buye nur ayâ مکس بگن بوی نور ایا
jânemâzoš ša baxal جانمازش ش بخل
az namâze šum ayâ از نماز شوم ایا

شاه داماد در حالی که جانمازش را زیر بغل دارد، از مسجد برمی‌گردد.
واضح است که جانماز و نماز شام از عناصر مذهبی است.

یا این واسونک:

negâray negârom o negâray negârom نگاری نگارم نگاری نگارم
نگار من ای نگار من

veli mixâm ke mollâzâde bâše ولی می‌خوام که ملّازاده باشه
می‌خواهم که ملّازاده باشه

negâray negârom o negâray negârom نگاری نگارم ای نگاری نگارم
نگار من.... /

be korâne xodâ del dâde bâše به کران خدا دل داده باشه
به قرآن خدا دل داده باشه

۶. مسافرت و مهاجرت برای امرار معاش و تهیه مایحتاج زندگی

خشکسالی‌ها در اغلب موارد مردمان این منطقه را مجبور به جلای وطن می‌کرده است. به همین ترتیب، در فاصله سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و فعال شدن شرکت نفت انگلیس در خوزستان نیز بسیاری از ساکنان این مناطق روانه آبادان شدند و بسیاری دیگر در همان سال‌هایی که کشورهای حاشیه خلیج فارس به واسطه اکتشاف و استخراج نفت رونق گرفته بودند، به آن سامان سفر کردند. در مواردی، این سفرها بدون بازگشت و دائمی بود. اما کسانی هم که جاذبه وطن برای آنها دل‌کنده نبود، در آمد و شدی ناگزیر بودند:

vele bâlâ bolandom kay miyâyi ول بالا بلندم کی می‌آیی
negâray negârom o negâray negârom نگاری نگارم نگاری نگارم
rafiqe ruze tangom kay miyâyi رفیق روز تنگم کی می‌آیی
negâray negârom o negâray negârom نگاری نگارم نگاری نگارم
با توجه به اینکه این ترانه‌ها در عروسی‌ها خوانده می‌شود، مفهوم مورد نظر تا حدی ملموس‌تر است.

ey getari junom lab šekari junom ای گتری جونم لب شکری جونم
ای قطری جانم لب شکری جانم
کفشم ا پیش زرگرن مال پول مفت گترن

kafšom a piše zargaren mâle pule mofte getaren
کفشم پیش زرگر است به خاطر پول مفت قطر است
ey getari junom lab šekari junom ای گتری جونم لب شکری جونم
ای قطری جانم لب شکری جانم
همان طور که مشاهده می‌شود، ابیات به کار کردن افراد در امیرنشین قطر اشاره دارد.

mixâm berom lâr sabza jânomen می‌خوام برم لار سبزه جانمن

xarji konom bâr sabze jânomen خرجی کنم بار سبزه جانمن
می‌خواهم برای تهیه‌ی مایحتاج عروسی به لار (لارستان) بروم.
بیت بالا اشاره به مسافرت به شهرستان لار را دارد که حکم مرکز فرهنگی
و اقتصادی منطقه مورد مطالعه را داشته است.
یا این ابیات:

sado si sâlen joma om xalede صدو سی سالن جومه ام خلده
صد و سی ساله است لباس خریدهام

rahe bambâyi va pâ om vâbolede ره بمبایی و پا ام وابلده
راه بمبئی را پیاده طی کرده‌ام

بمبئی از شهرهای مهم شبه قاره هند است که مردم گاه گاهی به آنجا
مهاجرت می‌کرده‌اند؛ پاره‌ای از تأثیرات فرهنگی، از جمله پوشاک و زینت زنان
این منطقه نیز مربوط به آن سامان است.

۷. بررسی عناصر زبانی

همان‌طور که می‌دانیم، زبان فارسی معیار که امروزه در میان فارسی‌زبانان
بخصوص ایرانیان متداول است، حاصل تحولات گام به گام زبان باستانی،
اوستایی و پهلوی است. «از میان زبان‌های ایرانی دوره جدید زبان «فارسی
جدید» زبان رسمی، اداری، علمی و ادبی این دوره است. این زبان دنباله
طبیعی و بلافصل زبان فارسی میانه است که در اصطلاح پهلوی خوانده
می‌شود. زبان فارسی میانه نیز صورت تحول یافته و بلافصل زبان فارسی
باستان است.» (باقری، ۱۳۷۸: ۱۰۷) اگر ما زبان مردمانی را که دور از مراکز
فرهنگی و اجتماعی زندگی می‌کنند، مورد مطالعه قرار دهیم، ردپای عناصر
کهن زبانی را مشاهده می‌کنیم. همچنین تغییر و تحول شکل واژه‌ها از طریق
ابدال حروف دیده می‌شود.

ای ناز مکن ناز مکن دت آموی خم

ay nâz makon nâz makon dote âmuye xom

ناز نکن ناز نکن دختر عموی خودم

از زر گل پرواز مکن دت آموی خم

az zere gol parvâz makon dote âmuye xom

از زیر گل پرواز مکن دختر عموی خودم

واژه «دُت»: مخفف همان «دُخت» است که در زبان دری معیار به صورت دختر است و در ترانه دیگری به صورت کامل «دخت» آمده است:

eškela junom	eškela	اشکله	اشکله جونم
bâ to mimunom	eškela	اشکله	با تو می‌مونم
eškela row row	eškela	اشکله	اشکله رو رو
tofange bernow	eškela	اشکله	تفنگ برنو
dorbine doxtom	eškela	اشکله	دوربین دختم

یا این ترانه:

ای خدا ناچم ا بحرین که بحرین ن وطن دن

ay xodâ nâčem a bahrain ke bahrain na vatan den

ای خدا نمی‌رم به بحرین که بحرین مثل وطن نیست

که بحرین راه دورن که بحرین آب شورن

ke bahrain râhe duren ke bahrain âbe šuren

که بحرین دور است و آبش هم شورست

ای خدا ناچم ا بحرین که بحرین ن وطن دن

ay xodâ nâčem a bahrain ke bahrain na vatan den

ای خدا نمی‌رم به بحرین که بحرین مثل وطن نیست

در بیت اول واژه «ناچم» امروزه به صورت «ش» یعنی «ناشم» تلفظ می‌شود

و معنی آن نمی‌شویم (نمی‌رویم) از مصدر «چدن» (صورت دری معیار آن «شدن») است.

همچنین این واسونک:

حنابندوی ول ما و حنابندوی ول ما و

hanâbanduye vele mâ hanâbanduye vele mâ vo

حنابندون ول من حنابندون ول من

na dot mammad šai na dot semâyel نه دت ممد شی نه دت سمایل

نه دختر محمد می خواد نه دختر اسماعیل

tofang ša kulo pištâv ša hamâyel تفنگ ش کول پیشتاو ش حمایل

تفنگ در دوش و گلت همراهش

to ke pose âmuye xot nâpesandêš تو که پس آموی خت ناپسندش

تو که پسر عموی خودت را نمی پسندی

boro ke kolizâde lâyeke to برو که کولی زاده لایق تو

برو که کولی زاده لایق تو است

در این ترانه، واژه «پس» به معنی پسر و همچنین واژه «دُت» به معنی دختر،

هر دو واژه‌هایی کهن هستند. «مَمَد و سمایل» مخفف مَمَد و اسماعیل و

«پیشتاو» نوعی سلاح به معنی کلت است.

در این ترانه نیز ابدال مشاهده می‌شود:

ای سبزه بلند بالا، بالا چه شیرین حالا

ay sabza boland bâlâ bâlâ če širin hâlâ

ای عروس سبزه که قد بلندی داری

کفش ام خلدۀ حالا بر سبزه‌ی بلند بالا

kafš om xalede hâlâ bar sabzaye boland bâlâ

کفش خریدم برای عروس سبزه قد بلند

واژه «أم خلدۀ» به معنی خریده‌ام، از ریشه خَلِدَن (خریدن) است که ابدال

زبانی «ر» به «ل» در آن مشخص است.

جمع بندی

براساس آنچه گذشت می‌توان گفت که واسونک‌ها انعکاس زندگی

اجتماعی مردم هستند و بیشتر رنگ اقلیمی دارند؛ اگر هم احیاناً ترانه‌ها در اثر

گردش و انتقال فرهنگ به واسطه مهاجرت و یا مجاورت با مناطق دیگر به این مناطق وارد شده باشند، با توجه به شرایط تغییر یافته رنگ بومی به خود گرفته‌اند. زبان ترانه‌ها، ضعیف و از زیور آرایه‌های هنری بی‌بهره است. خشکسالی، سختی معاش و گرفتاری‌های روزمره زندگی، مهاجرت‌ها، امکانات اقلیمی، وصف‌الحال‌ها و وصف‌العیش‌ها، عمده‌ترین عناصر این واسونک‌ها را تشکیل می‌دهند.

این ترانه‌ها جزء منابع تاریخی و یادگارهای برهه‌ای از زندگی مردم هستند که در آینده می‌توانند برای تحلیل‌های جامعه‌پژوهان و تاریخ‌نگاران به کار آیند، آیندگان را با گذشتگان پیوند دهند و آنان را به سیاحت در دیار آبا و اجدادی و دیدار نیاکانشان نایل سازند.

منابع

۱. باقری، مه‌ری (۱۳۷۸) تاریخ زبان فارسی، تهران: قطره.
۲. رستگارفسائی، منصور (۱۳۷۲) انواع شعر فارسی، شیراز: نوید.

* منابع میدانی از مصاحبه با افراد زیر به دست آمده است:

- حسینی، مریم، بهده، پارسیان، هرمزگان، ۱۳۹۰
دهقانی، مریم، بهده، پارسیان، هرمزگان، ۱۳۹۰
شریفی، فاطمه، بهده، پارسیان، هرمزگان، ۱۳۹۰
صالح‌نژاد، حلیمه، بهده، پارسیان، هرمزگان، ۱۳۹۰
یوسفپور، فاطمه، بوچیر، پارسیان، هرمزگان، ۱۳۹۰